

جهانی سازی یا محلی سازی؟: نقدی بر تئوری زمان جهانی آنتونی گیدنز و طرفداران او

چکیده:

بدون تردید تئوری "جهانی سازی" (globalisation) یکی از مجادله انگیزترین تئوریهای علوم اجتماعی در دهه ۱۹۹۰ بوده است. اگر چه تاثیرات "جهانی سازی" به ویژه با توجه به پیشرفتهای عظیم صنعتی و تاثیر آن بر گسترش ارتباطات امری قابل انکار نیست، ولی مسائلی از قبیل منشاء، مقصد و اشاعه فرآیند آن موضوعاتی نیستند که دانشمندان علوم اجتماعی درباره آنها توافق داشته باشند. برخی از نظریه پردازان (مانند گیدنز) ریشه های "جهانی سازی" را حتی در اعصار ما قبل انقلاب صنعتی جستجو کرده و معتقدند تنها چیزی که در قرن بیستم صورت گرفت تشدید آن بود. مضافاً اینکه، روند "جهانی سازی" یک فرآیند دیالکتیکی تلقی می شود که بر اساس آن وقایع محلی

تحت تاثیر اتفاقاتی قرار می گیرند که کیلومترها با آنها فاصله دارند و بر عکس. از این دیدگاه، نقطه شروع "جهانی شدن زمان" به گسترش و نفوذ جشنهای بزرگ مسیحیان (مانند اعیاد کریسمس و پاک) باز می گردد. بر این اساس، "جهانی سازی" پدیده ای کاملاً غربی است که در اوایل قرون وسطی پدیدار شده است.

جشنهای پایانی سال ۱۹۹۹، به عنوان محور تغییر هزاره، فرصت مغتنمی بود تا این تلقی ویژه از "جهانی سازی" در بوته آزمایش گذاشته شود. بنابراین، برای ارزیابی مجدد مفهوم این تئوری، تاثیر جشنهای جهانی هزاره بر جامعه ایران - کشوری که از دهه ۱۹۷۰ به بعد روند بسیار ویژه ای از توسعه را طی نموده است - مورد مطالعه قرار گرفت. پس با استفاده از روشهای مشاهده مشارکتی در فضاهای خصوصی و عمومی، تحلیل رسانه های گروهی و توزیع پرسشنامه در میان دانش آموزان دبیرستانی، هدف از تحقیق دستیابی به این نکته بود که جامعه ایران چقدر از وجود جشنهای هزاره آگاه است، با فلسفه آن آشنائی دارد و تا چه حد در این جشنها شرکت کرده است - جشنهایی که از نظر تئوریک هیچ گونه ربطی به آنها نداشتند. تحقیقی که نتیجه آن این نظریه را که "زمان" جهانی شده است، به طور انتقادی زیر سؤال می برد.

مقدمه

با مراجعه به نقشه "جهان نما" به این حقیقت پی خواهیم برد که ایران از لحاظ موقعیت جغرافیایی در مرکز جهان قرار دارد؛ کشوری که از یک طرف به دریاها و آبهای آزاد اقیانوسها و از طرف دیگر به خشکی متصل است و مانند پلی حداقل چهار قاره را به هم وصل می کند. تبریز نیز در شمال غربی ایران حلقه مناسبی میان بقیه نقاط کشور و جهان غرب از طریق ترکیه است.

ایران از لحاظ زبان، فرهنگ، نژاد و بسیاری از ابعاد زندگی روزمره کشوری متنوع است. اما از نظر دینی، مذهب شیعه با جمعیت حدود هشتاد درصد اعتقاد غالب را تشکیل می دهد. ایران شاید برای نخستین بار در طول تاریخ خود تاثیر "جهانی سازی" (globalisation) را به معنی جدید آن در دوره انقلاب مشروطیت "Constitutional Revolution" (۱۲۸۴-۱۲۹۰) تجربه کرد، که در عمل به ایجاد قانون اساسی و حکومتی تقریباً به سبک غربی منجر شد. پیش از سال ۱۳۵۷، نوسازی (modernization)، غربی سازی (Westernisation) و غیر مذهبی سازی (Secularisation) به طور چشمگیری در جامعه ایران صورت گرفت. غرب نه تنها حوزه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران را تحت تاثیر قرارداد، بلکه فرهنگ ایران را نیز از طریق آموزشهای عمومی و عالی دچار تحول عظیم ساخت. رژیم پهلوی با تضعیف هنجارها و مکانیسم های سنتی تلاش کرد یک مدل غربی را جایگزین سبک زندگی اسلامی بکند. در نتیجه، ایران به یکی از غرب زده ترین و صنعتی ترین کشورهای جهان از نظر صنایع نفت و ماشین سازی مبدل شد. هر چند ایران هرگز نخواست از جنبه های دموکراتیک و مثبت زندگی غرب به نفع خویش و به راه و روش خود استفاده نماید.

ولی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ جهت دیگری به تغییرات اجتماعی

ایران بخشید، که ایران بعد از انقلاب را از نظر کنش های تاریخی از ایران قبل از انقلاب و نیز از بقیه جهان جدا کرد. این انقلاب به جنبه هایی از حیات ملت ایران رجحان داد که مبتنی بر ایده های فرهنگ سنتی (و به بیان اینجانب در مقاله ای دیگر، "ناسیونالیسم فرهنگی" "Cultural nationalism") بود، که چهره ای متفاوت از تجدد (modernity) را در معرض نمایش گذاشت. علاوه بر

ناسیونالیسم فرهنگی، پوپولیسم (populism) و اسلامیسیم (Islamism) نیز به صورت جریانات غالب ایدئولوژی در ایران بعد از انقلاب در آمدند، به گونه ای که ایران امروز مظهر ترکیب شگفت انگیزی از مدرنیته، سنت اسلامی و فرهنگ ایرانی است.

تحقیق نگارنده این مقاله درباره "زمان هزاره" (the Millennium clock) در ایران، به عنوان مدلی از زمان جهانی (global time)، گواه دیگری بر این ادعا است که ایران در میان همه کشورهای جهان بی همتا است. فرضیه اصلی تحقیق این است: از آنجا که ایران بخشی از نظام جهانی (world system) است، این انتظار که جشنهای هزاره به عنوان یک پدیده جهانی شده (globalised phenomenon) بایستی در ایران نیز صورت بگیرد، توقعی بی جا نخواهد بود. همان گونه که در بسیاری از جوامع غیر مسیحی دیگر مانند ژاپن و مصر اتفاق افتاد. هر چند، تقویم ایرانی نیز که ترکیبی از سنت اسلامی و تفسیر ویژه ایرانی از گذر زمان در رابطه با حرکت خورشید به جای حرکت ماه است، گواه دیگری از بی همتایی ایران از نظر "زمان" است.

تئوری "زمان جهانی" (the theory of global time)

آنتونی گیدنز (A. Giddens) (۱۹۸۷: ۱۵۲؛ ۱۹۹۰: ۶۳ - ۶۵؛ ۱۹۹۱: ۲۱؛

و ۱۹۹۳: ۸) مدرنیته را به عنوان فرآیندی تعریف می کند که ذاتاً جهانی ساز است. به عبارت دیگر، از نظر او "جهانی سازی" (globalisation) اصلی ترین ویژگی بسیاری از نهادهای اجتماعی در عصر جدید می باشد. بر همین قیاس، در دنیای مدرن روابط اشکال اجتماعی و وقایع محلی با رویدادهای دوردست مرتبط می باشد:

”جهانی سازی ذاتاً به همین فرآیند کش دار کننده (stretching process) بر می گردد، تا آنجا که راههای ارتباط میان نواحی یا موقعیت های اجتماعی مختلف از یک طرف سطح زمین به طرف دیگر آن به طور کلی شبکه بندی می شود“ (Giddens ۱۹۹۰: ۶۴)

بنابراین، جهانی سازی از نظر گیدنز به صورت فرآیندی دیالکتیکی تعریف می شود که روابط اجتماعی را در سطح جهانی چنان تشدید می کند که وقایع محلی تحت تاثیر حوادثی قرار می گیرند که کیلومترها دورتر اتفاق می افتند و بالعکس. از دیدگاه او، اتصال میان این اشکال اجتماعی و وقایع چنان قوی و شدید است که هر گونه مطالعه درباره یک شهر ” در هر بخشی از جهان ” مستلزم آگاهی از اوضاع ”همسایگان و اطراف“ آن شهر است، که خود همسایگان نیز تحت تاثیر عواملی هستند که از کیلومترها دورتر عمل می کنند. این ایده جهانی سازی گیدنز چه در بعد مکانی و چه در بعد زمانی توسط بسیاری از نظریه پردازان دیگر مانند پوستر (Poster ۱۹۹۰: ۳)، فیدرستون (Featherstone ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵) و آدام (Adam ۱۹۹۵) مورد تایید قرار می گیرد. آدام آنجا که می خواهد تاثیر تکنولوژی اطلاعاتی جدید را بر روی تبدیل ”زمان حال اجتماعی“ (social present) به ” زمان جهانی“ (global time) توضیح دهد، می گوید:

” وجود چنین ”زمان حال جهانی“ تنها به این معنی نیست که مردم بانکوک، بن و بوستون می توانند بدون اینکه مجبور باشند صندلیهای خود را ترک نمایند برای نیل به مقاصد تجاری با یکدیگر ملاقات کنند. بلکه به این معنی نیز هست که وقایع در هر بخشی از جهان می توانند تاثیر موثر و فوری بر بخش

دیگر گذاشته، و از طریق کل شبکه امواج مداوم بفرستند. و این فرآیندها به طور عمدی خارج از کنترل انسانهایی است که با آن سرو کار دارند. زیرا ترکیب تاثیر موثر و آنی ارتباطات با همزمانی روابط شبکه بندی شده دیگر مطابق با اصول "زمان ساعتی" (clock time) و "کنش متقابل مکانیکی" (mechanical interaction) عمل نمی کند" (Adam ۱۹۹۵: ۱۱۳).

آدام (Adam ۱۹۹۵: ۱۱۴) معتقد است هر حادثه ای در هر گوشه ای از جهان به بخشی از زندگی روزمره جهانی (global everyday life) مبدل شده، و به "موضوعی تبدیل می گردد که همه می توانند [آن را] ببینند، دربارہ اش داوری کنند و [نسبت به آن] اعمال فشار نمایند. از دیدگاه او، این یک "منظره جهانی" (global perspective) است: "پس زمان جهانی، روز جهانی و زمان حال جهانی شالوده توسعه یک "منظره جهانی" را پدید آورد." آدام در اینجا تلویحاً "استاندارد سازی زمان" (standardization of time) را نیز جنبه ای از جهانی سازی قلمداد می کند.

اما فقدان هر گونه جشن قابل مشاهده دربارہ هزاره جدید در ایران برداشت نگارنده را تأیید می کند که توسعه ارتباطات ضرورتاً زمان و مسافت را "کش دار" (stretched) نکرده، و در نتیجه "جهانی سازی زمان" (globalisation of time) به طور کامل حاصل نشده است. بنابراین، هدف اصلی تحقیق این بود تا جنبه ای از اعتقاد به جهانی سازی زمان را با آزمایش اهمیت پاسخهایی که به جشنهای هزاره در ایران داده شده است، در معرض نمایش قرار دهد.

روشهای تحقیق

برای شناخت و ارزیابی جایگاه ایران در نظام جهانی زمان (the global system of time) در شامگاه هزاره جدید، نگارنده از روشهای تحقیق زیر استفاده نمود:

- تحلیل محتوای موضوعهای مطرح شده در رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و مجلات محلی و ملی رایج، و نشریات دانشگاهی؛
- تحلیل پاسخهای دانش آموزان دبیرستانی از نقاط مختلف ایران (به طور عمده از شمال غرب) به پرسشنامه‌ای درباره هزاره؛
- مشاهدات انجام شده توسط محقق و حدود ۱۵۰ نفر از دانشجویان از نقاط مختلف ایران که از طرف نگارنده مسئول شده بودند در صورت مشاهده هر گونه جشنی در رابطه با هزاره آن را به وی گزارش دهند.

ایران و معنای ویژه مدرنیته

همان گونه که قبلاً ذکر شد، بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ایران در نوسازی و توسعه خود راهی متفاوت برگزید. این خط مشی در مقابل نیروهای غربی (و تلویحاً نیروهای جهانی) تا حدودی مقاوم بوده است، به طور مثال، موضوعات درسی مدارس در شکل گیری تعریف جدید مدرنیته نقش عمده ای بازی کردند. تحقیقات نگارنده درباره نظام آموزشی ایران نشان داد که ایران به طور یقین بعد از سال ۱۳۵۷ تلاش نمود تا نظام آموزشی خود را نوینه سازد. ولی برای نیل به این مقصود به گونه ای عمل کرد تا اولویت برخی از ارزشهای دینی و سنتی خود را حفظ نماید. موضوعات درسی چه به صورت آشکار و چه به شکل پنهان هر دو به خدمت ایجاد تعادلی دقیق (ولی ناپایدار) میان سنت و

مدرنیته درآمدند. ایدئولوژیهای ناسیونالیسم، پوپولیسم و اسلامیسیم که مورد استفاده نظام آموزشی بعد از انقلاب قرار گرفتند، همه تحت تاثیر سنت اسلامی و فرهنگ ایرانی بوده اند.

به نظر نگارنده، رابطه صمیمی و نزدیک ناسیونالیسم ایرانی با اسلام و با تصوراتی که شیوه های کم و بیش "سنتی" حیات ایرانی را برتری فرهنگی می بخشد، ناسیونالیسم ایرانی را به عنوان یک لایه ایدئولوژی اولاً (از ناسیونالیسم های دیگر) بسیار متفاوت و ثانیاً قدرتمند ساخته است. به همین دلیل، همزمانی هزاره با ماه مبارک رمضان (به ویژه شب بیست و سوم آن) اهمیت خاصی را به این تحقیق بخشیده است.

زمان و مفهوم هزاره در ایران

همان گونه که ذکر شد، زمان و مفهوم هزاره در ایران از زاویه های مختلف مورد تحقیق قرار گرفته است، نخست از چشم انداز نشریات ایرانی به هزاره می نگریم:

نشریات: از میان ۲۰ نوع روزنامه ای که در طول سه ماه پیش از پایان سال ۱۹۹۹ به کتابخانه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز وارد شد، فقط ۱۳ نوع حاوی مطالبی درباره هزاره بود. در همان مدت، از میان ۱۰۴ نوع نشریات آکادمیک و مجلات عمومی فقط ۱۱ نوع دارای مقالات راجع به هزاره بود. بنابراین، از میان حدود ۱۷۰۰ روزنامه، مجلات عمومی و نشریات آکادمیک به زبان فارسی، فقط ۱۵٪ (۲۵۷) در آخرین ماههای هزاره دوم درباره "هزاره" مطلب داشتند. ۷۲٪ (۱۸۴) از این نوشته ها در نشریات معروف به "اصلاح طلبان" و ۲۴٪ (۶۳) دیگر در نشریات مشهور به "محافظه کاران" به چاپ رسید. ۷۷٪ (۱۹۹) از این نوشته ها هزاره را در رابطه با نواحی مختلف جهان به غیر از

ایران مورد بحث قرار داده، و فقط ۲۳٪ (۵۸) از آنها در رابطه با ایران بود. و همان گونه که انتظار می رفت، ۸۰٪ (۲۰۵) از آنها در ماه دسامبر ۱۹۹۹ و بعد از آن، ۱۳٪ (۳۴) در ماه نوامبر و فقط ۷٪ (۱۸) در ماه نوامبر و فقط ۷٪ (۱۸) در ماه اکتبر و پیش از آن پدید آمده بودند.

غالب ترین مباحث مربوط به هزاره در این نشریات به ترتیب عبارت بودند از: مشکلات کامپیوتری (۳۲٪؛ ۸۲) و شرکت در جشن ها (۲۳٪؛ ۵۸). موارد دیگری که در رابطه با هزاره در نشریات مورد بحث قرار گرفت عبارت بود از: اقتصاد؛ گفت و گو بین تمدن ها و صلح؛ برداشت هایی درباره قرن بیستم؛ موارد بهداشتی و پزشکی؛ هنر (سینما، تلویزیون و غیره)؛ سیاست؛ جغرافیای طبیعی؛ ایران و نظم جهانی؛ و علم و آموزش.

۶۳٪ (۵۲) از مقالاتی که به تهدید مشکلات کامپیوتری مربوط می شدند، در رابطه با کشورهای دیگر، و فقط ۳۷٪ (۳۰) از آنها درباره ایران بودند. این مقالات نشان دادند که همه کشورها به جز کانادا نگران مشکلات کامپیوتری هستند. آنها همچنین مشکلات دیگری را که توانست از مسایل کامپیوتری ناشی شود مورد بحث قرار دادند، مانند ارائه خدمات: برق، آب، تلفن، گرمایش، پروازها و غیره.

۸۹٪ (۵۰) از مقالاتی که جشنهای هزاره را مورد بحث قرار دادند در رابطه با نواحی و کشورهای دیگر جهان بودند: اروپا، امریکا، آسیای مرکزی، ژاپن، مصر، فلسطین، استرالیا، مالزی، چین، لبنان، تانزانیا و هند. ولی فقط ۱۱٪ (۸) از آنها جشنها را در رابطه با ایران که به اقلیت های مسیحی مربوط می شد گزارش کردند. از میان ۵۸ مورد گزارش جشن، ۴۲٪ (۲۵) همراه با تصویر و ۵۸٪ (۳۳) بدون تصویر بودند.

تلویزیون : بعلاوه، سه ساعت برنامه تلویزیونی که در رابطه با هزاره در پاییز سال ۱۹۹۹ به ضبط رسیده بود بر این نکته تاکید داشت که مهم ترین مورد راجع به هزاره عبارت بود از مشکل کامپیوتری و تاثیر آن بر دیگر مسایل زندگی روزمره مانند: پروازها، کامپیوترها، ارتباطات تلفنی، برق و آب، نظامهای بانکی، کمپانیهای نفتی، اطلاعات مالیاتی و غیره: هر چند بخش کوچکی از آن (۷٪) شامل بحثهایی نیز می شد که میخواست قرن بیستم را با سده های میانه مقایسه نماید. در آن بحث ها اعتقاد بر این بود که قرن بیستم نیز همانند قرون ۱۸، ۱۹، ۱۷ و ۱۶ مادی گرا (materialist) و غیر مذهبی (secular) بوده و در مقابل مسیحیت و اصول مذهبی ایستاد.

رادیو: همچنین دو ساعت برنامه ضبط شده رادیویی در رابطه با هزاره که اخبار نیمه شب شامگاه هزاره را شامل می شد، مورد بررسی قرار گرفت. در حالی که بقیه جهان سرگرم جشنهای هزاره بود، بخشهای اصلی اخبار رادیو در شامگاه هزاره به ترتیب عبارت بودند از:

- عزاداری به مناسبت سالگرد شهادت امام علی (ع) و شب های قدر : ۳ دقیقه و ۵۷ ثانیه (۲۰٪)؛
- گزارشهایی درباره تظاهرات "روز جهانی قدس" و دیگر اخبار بین المللی درباره آن: ۴ دقیقه و ۴۰ ثانیه (۲۴٪)
پس، اخبار مذهبی : جمعاً ۴۴٪؛
- هزاره و مشکلات کامپیوتری: ۶ دقیقه و ۵۴ ثانیه (۳۵٪)؛
- نخستین نوزادان هزاره : ۴۰ ثانیه (۳٪) پس ، اخبار مربوط به هزاره: جمعاً ۳۸٪؛ و گزارشی در مورد جشن های هزاره وجود نداشت.
- اخبار خارجی: ۲ دقیقه و ۲۵ ثانیه (۱۲٪)

• اخبار دیگر: ۱ دقیقه و ۱۵ ثانیه (۶٪)

پاسخ به پرسشنامه ها: علاوه بر داده های نشریات، تلویزیون و رادیو، ۱۱۸۱ پرسشنامه در میان دانش آموزان دبیرستانی چهار استان ایران که عمدتاً در شمال غرب کشور قرار دارند (یعنی استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، همدان و کرمانشاه) توزیع شد. پرسشنامه به سه نکته توجه ویژه داشت: آگاهی درباره وجود "هزاره"؛ آگاهی از معنای واژه "هزاره"؛ و شرکت در جشنهای "هزاره".

شگفت انگیز بود در حالی که فقط یک نفر به سؤالی درباره معنی هزاره پاسخ نداده بود، حدود نصف پاسخ دهندگان (۴/۴۹٪؛ ۵۸۳) چیزی درباره هزاره نمی دانستند و واژه "هزاره" برای آنان کلاً ناآشنا بوده و برای بقیه، متداولترین منابع آگاهی از "هزاره" به ترتیب عبارت بودند از: تلویزیون و رادیو (حدود ۲۲٪)، نشریات (حدود ۱۰٪) و مدارس (۷٪).

باز در حالی که میزان آگاهی از هزاره نسبتاً رضایت بخش بود، ولی پاسخ دهندگان در عمل تقریباً چیزی در مورد معنی "هزاره" نمی دانستند. اگرچه حدود ۶۰٪ (۷۰۷) از پاسخ دهندگان گزارش کردند که آنان آگاهی از معنی "هزاره" ندارند، ولی دیگران آن را به عنوان "یک هزار سال یا ۱۰ قرن" (حدود ۲۵٪؛ ۲۹۸)، "قرن کامپیوتر و توسعه" (۶٪؛ ۷۱) و از این قبیل توصیف کردند.

جالب تر این که حدود ۹۱٪ (۱۰۷۳) از پاسخ دهندگان گزارش نمودند که آنان در هیچ جشنی به خاطر "هزاره" شرکت نکرده اند. فقط ۶٪ (۷۲) از آنان گزارش شرکت در جشن را داشتند که به نظر می رسد از اقلیت های مسیحی باشند. در پاسخ به این سؤال که "در شب هزاره یا شامگاه نوروز میلادی که مصادف با شب

بیست و سوم ماه رمضان بود چه می کردید؟"، ۲۸٪ (۳۲۹) از پاسخ دهندگان جواب دادند که آنها مراسم احیاء بر پا داشته و عزاداری می کرده اند. دیگر - فعالیت های گزارش شده به ترتیب عبارت بودند از: تماشای تلویزیون (۷/۷٪)؛ استراحت در خانه (۷٪)؛ مطالعه (۶۹٪)؛ و میهمانی (۲/۵٪).

توضیح این نکته لازم است که هیچ یک از دانشجویان نگارنده (۱۵۰ نفر) در مناطق خود موفق به مشاهده هیچ گونه جشنی در رابطه با هزاره جدید نشده بودند.

نتیجه گیری

تئوریهای "جهانی سازی" (globalisation) و "زمان جهانی" (global time) راه موثر و مفیدی را برای تفسیر یافته های نگارنده و نیز فهم تعریف جدید از مدرنیته در ایران بعد از انقلاب اسلامی ارائه کردند. تعریفی که از آنچه گیدنز و تئورسین های همفکر او درباره مدرنیته به عمل می آورند بسیار متفاوت است. در حقیقت، مدرنیته از نوع ایران بعد از انقلاب اسلامی به جای جهانی کردن وقایع محلی بر محلی کردن "نیروهای جهانی" ("glocalisation" instead of globalisation) تاکید دارد، و در برخی موارد در مقابل آنها مقاومت می کند. اگر چه "هزاره" به عنوان مدلی از "زمان جهانی" از جایگاه اصلی خود به سوی ایران روانه گشت (disembedded)، ولی به روشی بسیار گزینشی مجدداً در ایران به کار گرفته شد (re-embedded). این امر در برجستگی خاصی که به تهدید مشکلات کامپیوتری داده شد، به طور مخصوصی قابل ملاحظه است. حتی "هزاره"، به عنوان سمبولی از زمان جهانی و مدرنیته، در ایران به صورت یک پدیده غربی منظور شد، که در فرهنگ اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار نبوده و هیچ ربطی به آن نداشت. جنبه هایی از هزاره که صرفاً می توانست بر زندگی روزمره ایرانی تأثیر بگذارند، برای عنایت خاص انتخاب شدند.

تحقیق حاضر توصیف دیگری بود از سیمای متفاوت و گزینشی مدرنیته در ایران و اظهار دیگری بر حدود این اندیشه که زمان جهانی شده و "زمان جهانی" استاندارد گشته است.

References

- Adam, Barbara. 1995. *Timewatch, The Social Analysis of Time*. Cambridge: Polity Press.
- Featherstone, Mike. 1990. 'Global Culture: An Introduction'. In M. Featherstone (ed.) *Global Culture: Nationalism, Globalisation and Modernity*. London: SAGE Publications: 1-14.
- Giddens, Anthony. 1990. *The Consequences of Modernity*. Cambridge: Polity Press.
- Giddens, Anthony. 1991. *Modernity and Self-Identity, Self and Society in the Late Modern Age*. Cambridge: Polity Press.
- Giddens, Anthony. 1993. *New Rules of Sociological Method, A Positive Critique of Interpretative Sociologies*. 2nd ed. Cambridge: Polity Press.
- Hall, Stuart. 1991. 'The Local and Global: Globalisation and Ethnicity'. In A. King (ed.) *Culture, Globalisation and the World-System, Contemporary Conditions for the Representation of Identity*. London: MacMillan: 19-40.
- Thrift, N. 1988. 'Vicos Voco. Ringing the Changes in Historical Geography of Time Consciousness'. In M. Young and T. Schuller (ed.) *The Rhythms of Society*. London: Routledge & Kegan Paul: 53-94.